

نامه سرگشاده دبیرکل به رهبر انقلاب در مورد اقدامات غیرقانونی علیه نهضت

بسم الله الرحمن الرحيم و به نستعين

مقام محترم رهبر انقلاب و بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران

با عرض سلام و دعای سلامت و توفیق آن جناب در خدمت به اسلام و ملت ایران و به محرومین جهان، در آنچه خواست و خشنودی خداوند رحمن است، زحمت افزا می شوم.

از آنجا که در شرایط حاکم بر کشورمان چنین رسم شده است که سررشته همه امور و اوامر منتهی و منبعث از مقام رهبری باشد، به ناچار مطالب حیاتی خود را که مربوط به جریان اخیر نهضت آزادی است با جنابعالی در میان می گذارم. البته اگر متصدیان امور سنت شاهنشاهی "پیروی از منویات" و سلب شخصیت و مسئولیت از خود را تداوم نبخشیده بودند و لاقلاً به یکی از صدها شکایت یا پیشنهاد نهضت ترتیب اثر و جواب می دادند این مزاحمت و مراجعه مورد پیدا نمی کرد.

مطلبی که عرضه می نماید اگر چه به طور غیرمستقیم و بالمآل ارتباط نزدیک با نظام جمهوری و ملت ایران و با آینده و آئین کشورمان دارد و به خاطر آنها عرضه می شود ولی به صورت ظاهر اختصاصی نهضت است. متأسفم که درگیر و دار مملکت که هنوز از جهنم جنگ بیرون نیامده مواجه با ضرورت و مشکلات بازسازی و سازندگی گردیده ایم، ناچارمان کرده اند که از بود و نبود نهضت و ایفای وظایف آن حرف بزنیم. ضمن آنکه این نامه درد دل و گزارشی به ملت عزیز ایران و هموطنان همدرد نیز می باشد.

همه می دانند و جنابعالی بهتر از دیگران در جریان هستید که نهضت آزادی ایران با اخلاصی که به آرمانهای انقلاب داشته است و اصراری که به اجرای قانون اساسی، حاکمیت ملی، عدالت اسلامی و سربلندی ایران می ورزد از همان پیروزی انقلاب و تشکیل دولت موقت مورد بی مهریها، کارشکنیها و تهمت های بی اساس از ناحیه کسانی قرار داشت که بیش از هر کس می بایستی حسن تفاهم و تشریک مساعی نشان می دادند. اگر توجه به خدا و توکل به او از یک طرف و اعتقاد و اعتماد دیرینه جنابعالی از طرف دیگر وجود نداشت و ملاحظات تبلیغاتی و مصلحت اندیشی های سیاسی مانع متولیان و پویندگان قدرت نمی گشت تا به حال بیش از ده بار فاتحه نهضت آزادی ایران و پایه گزاران آنرا خوانده بودند.

همانطور که استحضار دارید و مدعیان ما به خوبی مطلع هستند نهضت آزادی ایران بنا به تجارب سایر انقلاب های دنیا و تندرویها و انحراف های متداول آنها و با توجه به عمق و وسعت و اصالت انقلاب خودمان شدیداً مخالف با مبارزه مخفی و خشونت برای براندازی نظام جمهوری اسلامی بوده از توسل به بیگانگان و انتظار عمل آنان نیز امتناع می ورزیده است. از طرف دیگر برای تحقق و دفاع از آرمانهای والایی که مردم به خاطر آن انقلاب کرده بودند و برای جلوگیری از خطا و خرابیها، تنها راه حل مشروع و سازنده موثر را در مبارزه سیاسی مردمی و مسالمت آمیز علنی جستجو می کرده است. مبارزه و قیامی که در چارچوب قرآن و قانون اساسی از طریق تذکرها و انتقادی و تحلیلهای منطقی مثبت صورت بگیرد. ولی متأسفانه و علیرغم حسن نیت صادقانه و وظیفه دینی و ملی که برای خدمت به نظام و ملت احساس

می‌کردیم گردانندگان نظام، برنامه و روشی را پیش گرفتند که منتهی به بستن عملی و کلی نهضت خواهد گردید و بنابراین لازم شده است به بیان فهرست‌وار مراحل آن بپردازد.

بعد از مجلس اول که حضور نمایندگان اقلیت تا حدودی باعث حفاظت از حریم آزادی و قانون اساسی در راستای حقوق ملت می‌شد، پس از آنکه با انحراف آشکار از هدفها و آرمانهای انقلاب و از شرایط انتخابات آزاد، توانستند مجالس شورای اسلامی را عملاً در انحصار بگیرند احزاب و اجتماعات مختلف غیر موافق را یکی بعد از دیگری زیر فشار گذارند تا از میدان به در شوند و در مورد نهضت آزادی ایران که مخالف وفادار بود، روش خاص تدریجی یا گام به گام را به مورد اجرا گذاشتند.

گام اول این برنامه اعمال سختگیری و ایجاد مزاحمت‌های گوناگون در مجالس عمومی نهضت بود تا از توجه و تجمع مردم و تشکیل و توسعه آنها جلوگیری به عمل آید. به مجالس مجاز و آزاد سیاسی، مذهبی یا حزبی ما که بعداً در فضای محدود داخلی دفتر نهضت تشکیل می‌گردید، حمله می‌کردند. چنین وانمود می‌شد که حمله کنندگان به مجلس ما و وارد آوردن ضرب و شتم و توهین به شرکت کنندگان در آنها، افراد عادی برخاسته از امت حزب الله هستند. ولی هر بار مشهود و مسلم می‌گردید که افراد سازمان یافته مجهز مختلطی هستند که از کمیته‌ها، سپاه، دادستانی انقلاب و احیاناً وزارت اطلاعات تشکیل می‌گردند. از اینکه هیچگاه شکایتهای قانونی و مستند نهضت آزادی، چه در گام اول حملات و چه در گامهای بعدی به جایی نمی‌رسید و متجاوزین و مرتکبین جرم مجازات و تعقیب نمی‌گردیدند و حتی اعمال خلاف شرع و قانون آنانرا مقامات قضایی و اداری کشور به صورت لفظی و اصولی هم محکوم نمی‌کردند، به خودی خود روشنترین دلیل بر آمریت یا لاقدر رضایت مسئولین دست بالا می‌باشد و یا عجز و اسارتشان را می‌رساند.

گام دوم که در جهت قطع هر چه بیشتر ارتباط مردم با نهضت صورت می‌گرفت محدودیتها و ممانعت‌هایی بود که در توزیع تألیفات و نشریات نهضت در کتابفروشیها و روزنامه‌فروشی‌ها به عمل می‌آمد. قبل از این جریان روزنامه میزان را که بدون سانسور مقالات و نظریات نهضت را درج می‌کرد، به خلاف قانون و بدون تشکیل و رأی دادگاه توقیف و تعطیل کردند و همگام با این اقدام مطبوعات و رسانه‌های گروهی تحت فرمان حاکمیت که قلم آزاد در اتهام و اظهارات خلاف واقع درباره نهضت آزادی و ملیون ایران و مسلمانان مترقی داشتند به تدریج از درج مقالات و نظریات مخالفین ممنوع شدند و حتی پاسخ انتقادهای به نهضت و دفاع از اتهامها را که قانوناً موظف بودند منعکس سازند چاپ نمی‌کردند. وضع به گونه‌ای است که اسم بردن و ارائه کلام و صورت نهضتیها، جز به بدی یا در حداقل استثنائی، شدیداً ممنوع است.

یگانه راه و روزنه‌ای که به‌دنیای ایران برای رساندن ندا و نظریات نهضت و غیر موافقین با دولت وجود داشت "غرفه کتاب" محقر نهضت در خیابان شهید مطهری بود که چندین بار مورد حمله و خسارت و پرتاب نارنجک قرار گرفت. ضمن آنکه مراجعه به آنجا برای خواندن یا خریدن نشریات احتیاج به جرأت و قبول خطر داشت.

با چنین اوصاف، مقامات رسمی بالای حاکمیت با اشاره ضمنی به نهضت آزادی، مکرر ادعای اعطای آزادی به مطبوعات و مخالفین را می‌کردند.

گام سوم که به اعتباری گام اول و اصلی باید محسوب شود مسدود کردن راههای خدمت و اشتغال به روی نهضت و اخراج یا امتناع از ورود نهضتیهها و طرفداران به مشاغل و مواضع سیاسی و اجتماعی و اداری کشور بود. اعم از نمایندگی مجلس، ریاست جمهوری، وظائف و خدمات دولتی و همچنین فعالیتهای علمی و فرهنگی. همانطور که در اعلامیههای مفصل و مستند تاریخی نهضت در دورههای دوم و سوم انتخابات مجلس نشان داده شده است، تدابیر و ترفندهای خاص به کار رفت تا نمایندگی مردم در مجلس شورای اسلامی حالت انحصاری پیدا کرده، آزادی و امنیت و امکانات عمومی از داوطلبان و رأی‌دهندگان گروههای مخالف گرفته شود. جریان سومین دوره انتخابات ریاست جمهوری نیز که با تفسیر نادرست قانون اساسی و اختیارات شورای نگهبان سلب صلاحیت از کاندیدای نهضت آزادی کردند و شایستگان ریاست جمهوری را در سه فرد برخاسته از حزب حاکم ادغام کردند، بر همگان روشن است.

گام چهارم منزوی ساختن و مجزا کردن نهضت از مردم شهرستانها و جلوگیری از توسعه و فعالیت نهضت در خارج از مرکز بود. هر بار که مسافرتی، ولو خانوادگی و غیر سیاسی و حزبی، به شهرستانها می‌کردیم (از جمله تبریز، مشهد، زنجان، چالوس، شیراز، یزد و غیره) با انواع آزار و ایداهای ناجوانمردانه مأمورین غیر مسئول روبرو می‌شدیم. از دشنام و تهدید ما و از ضرب و شتم و بازداشت میزبانان یا همراهان و دوستان و کسانمان خودداری نمی‌کردند. علاوه بر آن هر چند گاه افراد عضو یا علاقمند شهرستانها را احضار کرده با تمهید و تهدید به ترک نهضت یا تحویل و تخلیه اطلاعات و ادارشان می‌نمودند. ضمن آنکه مزاحمتها و ایجاد ناامنی‌ها اختصاص به شهرستانها نداشته در خود تهران نیز به دفعات تجاوز شیبانه به منازل مسئولین قدیمی نهضت کرده بمب و نارنجک انداختند و خسارت و وحشت به پا کردند. بدون آنکه عاملین مأمور مورد کمترین پیگیری و بازداشت و مجازات قرار بگیرند یا لاقول ولو به لفظ و زبان، کارشان را مقامات بالا محکوم نمایند.

در تمام مدت جنگ با عراق و جریانهای حاد داخلی که هر دم حلقه‌های محدودیت و محرومیت بر طبق برنامه منظم بر دست و پا و گردن ما تنگتر می‌شد و نمی‌خواستند که نهضت آزادی وظایف دینی و ملی خود را در راه ارشاد و اصلاح جامعه و مبارزه با جهل و خرافات و خلاف انجام دهد و قیام به فریضه دینی و قانونی امر به معروف و نهی از منکر نماید ما با امید و توکل، به صبر و تلاش خود ادامه دادیم. نه تسلیم زور و آزار شدیم و نه مأیوس از رحمت خدا و اثربخشی حق و حقیقت. سیاست صبر و تلاش در راه ایران و اسلام بی‌اثر و بی‌ثمر نماند. نه تنها در میان طبقات مردم بلکه در جمع جناح‌هایی از حاکمیت، باز شدن جو سیاسی و تحمل حضور نیروهای غیر موافق، برای حل بحرانهای کشور به عنوان یک ضرورت مورد بحث و توجه قرار گرفت. بسیاری از صاحب‌نظران به این واقعیت رسیدند که حفظ نظام جمهوری اسلامی و حل بحرانهای مدیریت و مسائل اقتصادی و اعتقادی و معنوی و مشکلات عمومی، تنها و تنها از طریق رفع بحران سیاسی - اجتماعی و تأمین بدون تردید و تزویر آزادیها و حقوق اساسی ملت که در قانون اساسی مطرح است امکان‌پذیر می‌باشد.

اما متأسفانه چنین آمال و افکار، اقدامات قانونی مسالمت‌آمیز اصلاح‌طلبانه و نشریات روشنگرانه، خوش‌آیند مذاق و مشرب عواملی از هیئت حاکمه و مدافعین منافع و مصالح خاص نبود. می‌بایستی به‌ترتیب و تدبیر به‌بهانه قاطعیت و انقلابی بودن جو خصومت و خشونت و خرابی تداوم داشته

راه‌حلهای اسلامی و انسانی و قانونی مسالمت‌آمیز و منطقی مسدود یا منحرف گردد. نه تنها باید جلوی توسعه فکری و سازمانی نهضت آزادی و فعالیتهای فرهنگی و اجتماعی و سیاسی آن گرفته شود بلکه حضور و حیات نهضت نیز در زیر ضابطه و فرمان خودشان قرار گیرد، تصمیم گرفتند که گام کوبنده‌ای برداشته شود.

گام پنجم و عصبانیتی که به نظر می‌آید بیشتر معلول نشریه اردیبهشت ماه ۶۷ تحت عنوان "هشدار" (یا نامه سرگشاده نهضت به رهبری انقلاب) بوده باشد و مخصوصاً درست درآمدن پیش‌بینیها و پیشنهادها، آن، با دستگیری هشت نفر از اعضا فعال نهضت آزادی ایران و جمعیت دفاع از آزادی و حاکمیت ملت ایران آغاز گردید و همراه با آن دفاتر و خانه‌های نهضت و جمعیت را اشغال کردند.

می‌بایستی به گونه‌ای تلخی قبول قطعنامه ۵۹۸ و نکول شدن وعده‌ها و ادعاها جبران گردد. برای تسکین دردها و تسلی خاطرهای مناسبتر از عملی که با نهضت و جمعیت انجام شد، به نظر نمی‌آمد. ما حق داشتیم، حق گفته بودیم و حق هم که تلخ است. پس باید به عوض قدردانی و عذرخواهی شدیداً تنبیه شویم. برای جناحی از حاکمیت و برای کسانی که در ظرف هشت سال جمهوری و جنگ، هر زمان که نسیم امید و آرامش در جامعه به سوی صبر و سلامت و صلح می‌وزید به تکاپو می‌افتادند، وجود فضای سیاسی باز و حضور فعال احزاب قانونی و سالم، گرچه در کمترین توان و توسعه، قابل پذیرش و بخشش نبود. باید برچیده شوند یا از اعتبار و ارزش افتاده کارآیی و اثرشان گرفته شود. عبرت سائیرین و مانع حرکت مردم گردند تا هیچ فرد و گروهی جز صاحبان قدرت حاکمیت حق اظهارنظر و اعتراض نداشته باشد.

بدیهی است که چنین نقشه و توطئه، آن هم در شرایط بحرانی بعد از قبول قطعنامه و ضرورت بازگشت به خدا و خلق برای بازسازی و سازندگی کشور و بقای بر سر قدرت، با شدت و وسعتی که در نظر بود نمی‌توانست مورد تأیید همگان قرار گیرد. مثلث سه نفری صاحب اختیار و صاحب ابتکار رضا به اندکی تخفیف داد. موفق شدند نقشه و برنامه را به صورت ناقص ولی قاطع در سه راستای ذیل به اجرا درآورند:

- ۱- اشغال دفتر و ساختمان، تصرف اثاثیه و وسایل انتشاراتی با آرشيو و کلیه اسناد و اطلاعات درون سازمانی و مخصوصاً بازداشت افراد موثر دست اول، به منظور عقیم کردن نهضت (و جمعیت) با یک عمل کودتایی.

- ۲- بمباران حیثیتی و معنوی نهضت به منظور "شکستن بت شخصیت" با پرتاب تهمتهای ارتداد، مزدوری و همسویی با دشمن، جاسوسی و ارتباط با بیگانگان و امثال آن.

- ۳- تصرف اطلاعاتی، فلج کردن روابط سازمانی از طریق بازداشتها، احضارها، تهدید کردنها و لغزش دادن بعضی از اعضا و کارکنان به جاسوسی و خیانت، بطوریکه عملاً و در مجموع فعالیتهای نهضت تعطیل گردد. به بیان دیگر، زدن برگ و شاخه‌ها و انداختن آفت بر گل‌ها برای جلوگیری از میوه دادن درخت در کوتاه مدت و خشکاندن نهائی در دراز مدت.

اما به لحاظ انقلاب و نظام و تأثیری که این نقشه‌ها و کوششها روی کشور و ملت ایران دارد به بن‌بست رسانیدن هر نوع مبارزه سیاسی قانونی و مسالمت‌آمیز است که در چارچوب حفظ نظام جمهوری اسلامی انجام گردد و یگانه راه حلی که برای نجات و اصلاح باقی بماند براندازی قهرآمیز و مبارزه مسلحانه باشد، و در صورت لزوم دل بستن و امید و انتظار داشتن از حمایتهای آشکار و پنهان بیگانگان.

روشن است که استقبال مردم از مبارزه قانونی مسالمت‌آمیز برای تغییر جناحهای فاسد حاکمیت (و نه تغییر نظام) و باز شدن جو سیاسی جامعه عملاً و نهایتاً به نفع مبارزه مسلحانه و براندازی کشیده می‌شود. به همین دلیل است که گروههای مخالف انحرافی و ضد انقلاب و جمهوری اسلامی ایران که در سایه حمایت بیگانگان و همکاری دشمنان فعالیت می‌نمایند، هر زمان که نشریات نهضت آزادی با استقبال همگانی مردم روبرو می‌شده است با بدترین شکل و زشت‌ترین کلمات به نهضت آزادی و رهبران آن حمله می‌نمایند. آنها خوب می‌دانند که پیروزی خط مشی نهضت شکست استراتژی آنان است و ضرورت دارد که این حزب و منطبق از میان برداشته شود یا لکه‌دار و فلج گردد.

علاوه بر گروههای ضد انقلاب و جمهوری و پویندگان قدرت و منفعت، سیاستهای خارجی استکباری و استعماری و اسرائیل نیز که تثبیت انقلاب و نظام جمهوری اسلامی در سایه آرامش و حاکمیت ملت را به نفع مصالح و برنامه‌های خود نمی‌بینند عمیقاً طرفدار نابسامانی و ناپایداری ایران هستند. نابسامانی و ناپایداری یا تشدید بحرانهای داخلی و نارضایتی‌های عمومی. از دیدگاه آنان جمهوری اسلامی ایران باید ساقط گردد یا به صورت تضعیف شده، انحراف یافته و ظالمانه درآمد و احیاناً زمینه لازم برای یک کودتای خرنده یا جهنده و دیکتاتوری فراهم گشته ایران به استبداد و اسارت بدتر از گذشته رانده شود. در نظر این سیاستها و ابرقدرتها نیز باز شدن جو سیاسی در ایران و فعالیت احزاب قانونی مخالف، سد راه محسوب می‌گردد و باید حذف یا بی‌اثر گردند.

حال چگونه این دو جریان متفاوت در یک جا به تعطیل نهضت رسیده‌اند مسئله‌ای است که باید مسئولین با سوءنیت و حسن نیت به آن توجه کنند و به‌ما و به ملت ایران جواب بدهند. آیا خطوط نفوذی خرنده دشمن - نظیر کشمیریها و کلاهیها - با استفاده از زمینه‌های فکری و اخلاقی برخی از جناحهای حاکمیت، این نقشه را طرح و اجرا کرده است؟

در مدت چهار ماه گذشته، علاوه بر آنکه از طرف نهضت (و جمعیت) گزارشهای فردی و شکایت‌های رسمی به مقامات اعلای حاکمیت (مانند مقام رهبری، قائم مقام رهبری، ریاست جمهوری، شورای قضائی، وزارت کشور) به عمل آمد، دو نامه ناصحانه به تاریخهای ۵/۲۲ و ۶۷/۶/۱۴ نیز برای شخص وزیر اطلاعات نوشتیم. اظهار تعجب کرده بودیم که چرا وزارت اطلاعات، قانوناً تحت اداره و مسئولیت یک مجتهد، اصرار دارد به جای رفتار اسلامی و روابط صحیح و سراسر قانونی با نهضت آزادی، راههای خلاف جوانمردی و شیطانی را پیش بگیرد و با شیوه‌های پنهانکاری و کج‌اندیشی و فریبندگی با ما معامله نمایند؟ در نامه دوم صریحاً اظهار داشتیم که اگر پرسشها و کسب اطلاعات درون سازمانی از یک حزب قانونی علنی را بیش از آنچه قانون احزاب گفته است که باید به وزارت کشور داد، عمل مجاز و حق قانونی خود می‌دانند چرا به جای استفسار و آزار افراد و خانواده‌هایشان از دفتر نهضت و از دبیرکل آن سؤال نمی‌نمایند؟ در پایان نامه نیز اضافه کرده بودیم که "ما حاضریم اگر محکمه صالحه‌ای بر مبنای موازین قانونی و با حضور هیئت منصفه و مردم، حکم به غیرقانونی بودن یا غیرقانونی شدن نهضت بدهد خودداری و درنگ برای تعطیل نهضت و توقف فعالیتهای مربوطه ننمائیم". قبلاً هم به وزارت کشور نوشته بودیم که چون دفتر نهضت آزادی بر خلاف قانون اشغال شده است ما جلسات خود را به ناچار در منازل شخصی و دفاتر خصوصی تشکیل می‌دهیم و اگر بخواهید زمان و مکان آنها را به شما خواهیم گفت.

علیرغم این نامه‌ها و آمادگی ما به تمکین از قانون، احضارها و آزارها و افسادهای وزارت اطلاعات و دادستانی انقلاب در مرکز و بعضی از شهرستانها ادامه داشته و شدت هم یافته است.

* * *

با ذکر مراتب فوق و عرض معذرت از اطاله کلام و مزاحمت، اجازه می‌خواهد از محضر مبارک سؤال نماید که آیا اعمال وزارت اطلاعات و دادستانی انقلاب و بعضی از نهادها انطباق با اسلام، با قانون اساسی و با عهد و آرمانهای انقلاب اسلامی ایران دارد؟ آیا این کارها به سود نظام جمهوری و بقای حاکمیت و حفظ آبروی رهبری است؟ یا زمینه‌سازی برای براندازی و دیکتاتوری یا سلطه خارجی؟ و همچنین از بین بردن تمام آمال و اهدافی که برای اسلام و روحانیت و مستضعفین در نظر داشتید و نام نیکی که می‌بایستی در تاریخ از خود به یادگار گذارید؟

ماحصل کلام و خلاصه آنچه مدعیان خواسته و پرداخته‌اند اینست که اولاً نهضت آزادی ایران، با فلج شدن از داخل و لکه‌دار شدن در خارج، اسماً در صحنه سیاست و خدمت باقی بماند ولی عملاً منشاء اثر مثبتی نبوده حیات و حرکت چندان، جز در زیر ذره‌بین اطلاعاتی آنها و خنثی شدن قبلی کارها نداشته باشد. ثانیاً با تظاهر به اینکه در جمهوری اسلامی ایران حزب قانونی مخالف (و شاید چند حزب دیگر و گروههای فرمایشی) حضور و فعالیت و امنیت دارند، بتوانند به تبلیغات نادرست سیاسی و انتخاباتی و به خلافتکاری اقتصادی و اداری و سیاسی خود جامه حق به جانب بپوشانند و نهضت آزادی وسیله برای فریبهای سیاسی و خیانت بشود.

در هر حال دو انتخاب پیش روی ما گذارده‌اند: حیات خفیف خائنه یا توقف داوطلبانه و تعطیل شرافتمندانه.

طبیعی است که نهضت آزادی ایران، به رهبری و یاری خداوند و به تائید ملت ایران، تن به ذلت و خیانت ندهد و اگر چاره نباشد راه دوم را برگزیند. ولی لازم بود قبلاً به شخص جنابعالی و به هموطنان شرافتمند اعلام نمائیم که گردانندگان پس پرده حاکمیت هستند که ما را وادار به تعطیل و توقف می‌نمایند. تعطیل و توقیفی که مسلماً بی‌صدا در دنیا و بدون تأثیر سوء بر مردم ایران نخواهد ماند و سکوتی که بیش از هر فریاد یا طومار و کتاب آبروی انقلاب و نظام و متولیان را برده، آینده شومی را ارمغان خواهد آورد.

* * *

غرض از تصدیق اینجانب به نمایندگی از طرف نهضت و هشدار حاضر به خدمتتان آن بود که اگر جریان به صورت ناروا و ناجوانمردانه فعلی ادامه یافته دفتر نهضت آزادی پس داده نشود، فعالین دستگیر شده آزاد نگردند، از آنها عذرخواهی و اعاده حیثیت به عمل نیاید، طوقهای تعهد همکاری و جاسوسی از گردن اعضا و همکاران برداشته نشود، اربابها و ممانعتهای شهرستانها و تهران متوقف نگردد، . . . و بطور کلی رفتار حاکمیت و مخصوصاً وزارت اطلاعات و دادستانی انقلاب بر موازین اسلام و عدالت و بر وفق قانون اساسی و حاکمیت ملی معطوف و تضمین نگردد، ملت شرافتمند ایران و مردم عدالت‌خواه جهان خواهند دانست که چون حاکمیت ایران طاق تحمل آزادی و کمترین صدای مخالف را ندارد، در حیات و حضور جنابعالی دست به تعطیل نهضت آزادی (و جمعیت و گروههای ایرانی قانونی) زده است، ضمن آنکه به طرفداران براندازی و آشوب و انهدام ایران سند داده‌اند که مبارزه مسالمت‌آمیز قانونی در چارچوب اسلام و انسانیت و اصول، راه نادرست بی‌فایده است و به این ترتیب میدان را در آخرین پیام

قدرت و بقای خود برای ایجاد یأس و ترس و کفر و برای دیکتاتوری و استبداد داخلی و استیلای خارجی بازتر کرده‌اند.

از خدای دانا و توانا برای رهبر انقلاب و برای ملت ایران تمنای عفو و عافیت و برخورداری از سعادت دنیا و آخرت می‌نماید.

تهران - ۱۲ مهر ۱۳۶۷

دبیرکل نهضت آزادی ایران

مهدی بازرگان